

دوران تدارک مصاف کارگران با جمهوری اسلامی



حسین مرادیگی

مراکز کار و در بعضی جاها با شدت و حدت بیشتری، میگذرد. جمهوری اسلامی بخش خدمات صنعت نفت را تحت عنوان "اصلاح ساختار نفت" منحل اعلام کرده است و به کارگران در خصوص بازخريد اجباری خود التیماutom داده است. رژیم اسلامی همچنین در نظر دارد بخش حمل و نقل خط تولید لوله اهواز را به سرنوشت بخش خدمات صنعت نفت دچار کند و کارگران این بخش را نیز بیکار کند. رژیم اسلامی خواست کارگران تولید لوله اهواز را برای تامین ایمنی محیط کار بلا جواب گذاشته است و حتی از دادن عینک و دستکش مخصوص، هنگام کار به بهانه خرج اضافی خودداری میکند. و اکنون با تسری دادن اخراج و بیکارسازیها به صنعت نفت، فشاری را که از مدتها قبل به کارگران صنایع

از جمله دهها و صدها مورد از جراثمی هستند که جمهوری اسلامی در سراسر ایران در پورش به معیشت کارگران و در پایمال کردن حق و حقوق آنان روزانه مرتکب میشود. بیکاری سازی در بخش مربوط به صنعت نفت قرار است ۴۰۰۰۰ کارگر را شامل شود، کارخانه ایران خودرو چیزی حدود ۱۵۰۰۰ کارگر دارد که با شدت کار روز افزون روبروست و عدم ایمنی محیط کار در شرایط افزایش شدت کار، کارگران را با خطرات جانی بیشتری روبرو ساخته است. رژیم اسلامی از پرداخت اضافه کاری کارگران لوله اهواز خودداری میکند اینها و دهها نمونه دیگر نمونه های هائی هستند از آنچه که بر کارگران ایران در

بازخريد و اخراج و بیکارسازیهای اجباری کارگران در صنعت نفت، بی توجهی به عدم امنیت محیط کار و خودداری از پرداخت اضافه کاری کارگران لوله اهواز، افزایش شدت کار، و پاتین نگهداشتن دستمزدها در کارخانه ایران خودرو،

جناح انتصابی جناح انتخابی

ایرج فرزاد



اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

منصور حکمت

بعد از انقضای تاریخ مصرف ۲ خرداد، تلاش برای رد کردن مسئولیت از شانه جناحی از رژیم که انگار منافعی جدا از کل پدیده جمهوری اسلامی و کارنامه ۲۵ ساله آن دارد، کماکان هم در دوائر رژیم و هم بویژه در طیف اپوزیسیون پرو رژیم ادامه دارد. بعد از وارد شدن اصطلاحات: "جنبش اصلاحات"، "مردم سالاری اسلامی"، "شایسته سالاری" و... در فرهنگ سیاسی طرفداران بقا رژیم اسلامی درون و بیرون حاکمیت رژیم اسلامی، این بار جناح "انتخابی" در مقابل جناح "انتصابی" را علم کرده اند. انتصابیون یا "تمامیت خواهان" همه منسوب به رهبر و بیت رهبری و شورای نگهبان و مقام ولی فقیه و... هستند و جناح دیگر گویا در نتیجه یک پروسه انتخاباتی مشروعیت خویش را پشت سر دارند. و البته خاصیت انتخابی بودن این جناح، بدون اینکه به شرایطی که آن انتخاب تحت آن صورت گرفته است، در اوضاع کنونی ایران ارزش مصرف خاص خود را چه در بازار سیاست دولتهای اروپای واحد و چه در شیوه برخورد حکومت آمریکا دارا است. "انتخابات" شازده علی اوف در آذربایجان قبول نیست، چرا که با رژیم آن مساله دارند و بنابراین بسادگی میتوان رد پای تقلبها و ممنوع کردن هر جریان دیگری را برای شرکت در یک انتخابات واقعا آزاد دید و در معرض نمایش گذاشت. قبل از سقوط صدام حسین، باز جهان غرب تردیدی نداشت که رای ۹۹ و ۹ درصدی صدام حسین را یک تقلب آشکار بنامد

صفحه ۲



سخنرانی در نشست چهاردهم کمیته کردستان

اوضاع کنونی، موقعیت حزب در کردستان و محورهای آتی کار

رحمان حسین زاده

ایسکرای ویژه بزودی منتشر میشود

شماره ویژه ایسکرا به یک نوشته سیاسی و تاریخی مهمی از منصور حکمت اختصاص پیدا میکند که برای اولین بار اخیراً توسط سایت بنیاد منصور حکمت منتشر شده است. نوشته "ملاحظات بر سند جمع بندی از بحث ارزیابی ۵ ماهه جنگ ما و حزب دمکرات" نقديست بر سندی از کمیته مرکزی وقت کومله در تحلیل و ارزیابی ۵ ماهه جنگ حزب دمکرات و کومله. این نوشته نگرش منصور حکمت را در نقد و تمایز با نگرش ناسیونالیستی در برخورد به جنگ حزب دمکرات و کومله را نشان میدهد. منصور حکمت در این نوشته ضمن پافشاری بر حقانیت کومله در پاسخ گویی به تعرض نظامی حزب دمکرات با درکی عمیق و مسئولانه سیاست فرعی کردن و نهایتاً پایان دادن به این جنگ را ترسیم میکند. شما را به مطالعه این سند باارزش و ضمام آن در ایسکرای ویژه که به زودی منتشر میشود جلب میکنیم.

اطلاعيه کمیته
تشکیلات کل کشور:
در کنگره ۴ حزب
فعالانه دخالت کنید!
صفحه ۶

فراکسیون
نمایندگان
کرد رژیم
و طلب عدالت
از بانیان جنایت

ایرج فرزاد صفحه ۵

گسترش اعتیاد

حسین مرادیگی

صفحه ۶

ایسکرا
iraj_farzad@yahoo.com
سردبیر: ایرج فرزاد
فکس: 00448701687574
تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۵۵۵۰۸۵
چهارشنبه ها منتشر میشود

"نماینده" سردشت،
پل فرسوده میان
مردم و خاتمی

علی عبدالی
صفحه ۳

جنبش ما، جنبش
انقلاب سوسیالیستی

نسان نو دینیان

صفحه ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

◀ جناح انتصابی ...

از نشانه های امید را علاوه بر کشورهای اروپائی در محافل اطراف حکومت بوش نیز دامنه زده است. و به این ترتیب به نظر میرسد به راهی برای عبور دادن رژیم اسلامی و اسلام سیاسی از خطر سرنگونی بدست مردم دست یافته باشند. تمام فلسفه مشروعیت قانونی و انتخابی جناحی از رژیم همین است. اما، در میدانی که این سناریوهای مشروعیت فروشی در خارج از آن جریان دارد، "مشکل" کماکان بقوت خود باقی است. عزت الله سحابی گفته است، ۲ خرداد شکست خورد و در انتخابات مجلس هفتم مردم شرکت نخواهند کرد. و این البته فقط حرف او نیست، همه سران جناحهای تمامیت خواه و نیمه تمامیت خواه و سر باندهای مافیاهای علنی و پنهان قدرت در جمهوری اسلامی نیز پیش بینی بسیار بدبینانه تری دارند. تلاش برای سالم عبور دادن رژیم اسلامی از بحران مرگ و سقوط توسط طیب باشیها و حکیم باشیهای اروپا و آمریکا و نیز عناصر با شخصیت و فوق العاده نگران حقوق بشر در طیف اپوزیسیون پرو رژیم با دستپاچگی و دلهره و هراس از اینکه مبادا مردم ایران تکلیف خود را با رژیم اسلامی یکسره کنند، ادامه دارد. اما رژیم اسلامی را نمیشود نه نجات داد و نه اصلاح کرد و نه حقوق بشری و جایزه نویلی کرد. این رژیم باید برود. مقامات "انتخابی" رژیم اسلامی از کانال وحشت نسل کشیها و محکوم کردن مردم ایران به تباهی جسمی و روحی لاشه مخوف و کثیف اسلام سیاسی را تا اینجا به دنبال خود کشیده اند. مقامات معظم برخی دول اروپائی و آمریکائی که رژیم تغییر میدهند در باتلاق عواقب سیاست خود در عراق روز بروز بیشتر فرو میروند. فهمیده اند با این روش نمیتوانند از شر اسلام سیاسی نجات یابند، پس تصمیم گرفته اند که آترا نگاه دارند، نمای بیرونی و سرتاپا چرکین و خونین آترا روتوش و رفو کاری کنند. این را مردم ایران اجازه نمیدهند، صدها هزار کارگر معترض اجازه نمیدهند و کل جامعه ای که برای خلاصی از نکبت اسلام سیاسی و پرتاب کردن قوانین شرع و قرآن به زباله دانی در حال جوشش و انفجار است اجازه نمیدهند. □

◀◀ دوران تدارک ...

کلیدی شروع کرده بود، دارد علنی میکند. بعنوان "حسن ختام"، رژیم اسلامی تصمیم گرفته است که در سال آینده دستمزد کارگران را در سراسر ایران منجمد نگهدارد و از افزایش آن خودداری کند، این در شرایطی است که تورم و گرانی روز افزون کمر خانواده های کارگری را خرد کرده است. قولهایی که مشاورین دست چندم کارگاههای کوچک مبنی بر روی آوری جمهوری اسلامی به "ملزومات اقتصادی" سرمایه داری ایران داده بودند، معنی عملی خود را بنا به اعتراف سخنگویان عرصه اقتصاد ایران جز در رکود هرچه بیشتر اقتصادی و دادن آمارهای الکی در مورد رشد اقتصادی سرمایه داری ایران پیدا نکرد. معلوم شد که هیچ سرمایه داری، مگر دیوانه شده باشد، حاضر نیست سرمایه خود تحت حاکمیت جمهوری اسلامی به کار اندازد که با دستور و تصمیم ناگهانی فلان آخوند و یا فلان رهبر حزب الله مصادره و ملاخور شود. رکود هرچه بیشتر بر اقتصاد و مراکز کار آن چیزی است که همه به آن اذعان دارند، و این آن واقعتی است که سرمایه داری ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی با آن رویرو است و خارج شدن از این بست و جلب سرمایه های کلان خارجی مادام که جمهوری اسلامی سرکار است، را ندارد. جمهوری اسلامی در این مدت بار رکود اقتصادی سرمایه داری ایران را همگام با درجه معینی از انباشت سرمایه بر گرده طبقه کارگر و تحمیل فقر و فلاکت و نابودی نسلهایی از کارگران و همچنین خرد کردن کمر بخشی از کارگران زیر فشار کار، افزایش ساعات کار، ندادن حق و حقوق کاری آنان و خلاصه شرایط برده وار محیط کار به پیش برده است. ترس کارگران صنایع کلیدی از بیکاری و افتادن به باتلاق فقر و فلاکتی که شاهد آنند، و مهمتر از آن اتکاء جمهوری اسلامی به دستگاه زور و سرکوب خود برای تحمیل این شرایط به طبقه کارگر در ایران، از جمله مواردی بوده اند که جمهوری اسلامی از آن به نفع خود و علیه کارگران از آن سود برده است. جمهوری اسلامی پس از اینکه کارگران صنایع نساجی را در سطح وسیعی بیکار کرد، تزلزل در بالای رژیم اسلامی،

درهم ریخته بودن صفوف رژیم اسلامی، فشار روز افزون خارجی و فشار رو به گسترش مردم سرنگونی طلب برای از جاکندن جمهوری اسلامی، موقعیت نامناسبی را برای جمهوری اسلامی، در عوض موقعیت مناسبی را برای کارگران در ایران در مبارزه خود علیه جمهوری اسلامی فراهم کرده است. شروع اعتصاب و اعتراض در صنایع کلیدی از قبیل نفت و برق و فولاد و غیره، توأم با مبارزه و اعتراض کارگران دیگر بخشها که هم اکنون ادامه دارد نه تنها جمهوری اسلامی را در یورش به کارگران عقب میراند بلکه جامعه را بسرعت علیه جمهوری اسلامی یک کاسه خواهد کرد. مبارزه و اعتراض کارگری در یک واحد تولیدی و یا مراکز کار را تجربه خود کارگران نشان داده است که جمهوری میتواند درهم شکند و یا از دادن ترتیب اثر به آن خودداری کند، اما شروع اعتراض و اعتصابات در صنایع کلیدی را که بسرعت حمایت عمومی کارگران و جامعه را بدنبال خواهد داشت جمهوری اسلامی نه تنها نمی تواند نادیده بگیرد، بلکه آن زنگ خطری را که می بایست بصدا در آورد، علیه جمهوری اسلامی بصدا در خواهد آورد. این جدال را جمهوری اسلامی علنا دارد اعلام میکند، از این به بعد دست کارگران است که از فضای سیاسی موجود برای زیر فشار قرار دادن حکومت مشتی آخوند جانی که خون توده کارگر و دیگر مردم آزادیخواه ایران را در شیشه کرده اند، استفاده بکنند. همه میدانند که با وارد شدن کارگران صنایع کلیدی به مبارزه و رویارویی با جمهوری اسلامی، جامعه بسرعت وارد دور جدیدی از مبارزه خود برای سرنگونی جمهوری اسلامی خواهد شد. در غیر اینصورت جمهوری اسلامی از فشار فقر و فلاکت و ترس از بیکاری ای که دامنگیر کارگران صنایع کلیدی نیز شده است، برای به عقب راندن هرچه بیشتر کارگران در مصافی که برای سرنگونی جمهوری اسلامی در جریان است بهره برداری خواهد کرد. کارگران باید خطیر بودن این شرایط را دریابند، و از فشار اجتماعی خود برای خفه کردن سریع جمهوری و بقدرت رساندن خود در تحولات سیاسی ای که در پیش است استفاده کنند. این مصاف را کارگران میتوانند و باید بسرانجام برسانند.

۲۸ اکتبر ۲۰۰۳

نماینده سردشت، پل فرسوده میان مردم و رئیس جمهور



علی عبدالی

گفتگو با حاصل داسه، نماینده سردشت در مجلس اسلامی انجام داده است. آقای داسه ضمن فروری اشکهای تمساح وارث برای مردم سردشت با اظهار تعجب و تاسف می افزاید که "هنوز ۲۰ روز از دستور رئیس جمهور برای پیگیری حادثه هفده شهریور شهر سردشت نگذشته بود که حادثه تازه ای رخ داد!!" آقای داسه با این اظهار نظرشان گویی میخواهند پلی از رابطه و مناسبات عمیق بین رئیس جمهور و مردم ایجاد کنند و چنین وانمود کنند که آقای خاتمی این سید مهربان از شنیدن حادثه قبلی که منجر به کشته شدن یک جوان توسط نیروهای رژیم در سردشت شد هنوز دلش درد میکند و خواب آرام ندارد!

داسه لابد فراموش کرده است که مردم سردشت مثل سایر مردم اقصا نقاط ایران مدتهاست که

در بخش سیاسی روزنامه آفتاب دوشنبه ۵ آبان خبری درج شده است مبنی بر دستور و تاکید رئیس جمهور در رسیدگی و پیگیری حوادث اخیر سردشت که منجر به کشته شدن ۳ نفر از مردم و یک نفر از نیروهای انتظامی و نیز دستگیری بیش از ۱۵ نفر از مردم گردید. این خبر از ایسنا نقل شده است که در

عطای این سید رئیس جمهور ۲۵ سال رژیم جنایتکار را به لقایش بخشیده اند. مردم مدتهاست از مراحل "اصلاح طلبی و دمکرات منشی وخیر اندیشی این دگراندیش عبور کرده اند. وقتی همه "شخصیتهای" رنگارنگ بخش مردم سالاری اسلامی و کلیه این دلکهای باقیمانده از خیمه شب بازی اصلاحات دارند شکست خود را اعلام میکنند، انتظار جناب داسه که رئیس قوه مجریه یک رژیم سرتا پا جنایتکار بیاید دستور بررسی قتلهای سردشت را بدهد، قبل از اینکه نشان پخمنگی او باشد، پیشینه سازی برای خود در شرایط سقوط رژیم اسلامی است. این فرمایش آقای داسه بیش از اینکه کمترین ربطی به مردم و قربانیان جنایت مزدوران رژیم در سردشت داشته باشد، یک بخت آزمائی برای سرنوشت نکبت بار خود در اوضاع سقوط رژیم است.

مردم ایران از دیرباز دارند هزینه این مبارزات آزادیخواهانه را با خون می پردازند و منتظر دادخواهی و پیگیری رئیس جمهور

و اراذل و اوباش ایشان نمیشوند چون تمام این جنایات با علم و اطلاع و دستور و نقشه خاتمی، خامنه ای، رفسنجانی، شاهرودی، رضایی وسایر سران حکومت کثیف اسلامی تدوین و بوسیله گله های حزب الله و لشکر جنایتکار اسلام و در راه خدا صورت می گیرد. آقای حاصل داسه شما نیز که حاصل و محصول اراده انتخاب آزاد و دمکراتیک مردم نیستید، شما بر بستر اختناق که جنایات و نسل کشی و میدانهای تیر برادر اسلامی تان، خلخالی، و آدمکش نور چشم خاتمی، لاجوردی جلا، در ایران و کردستان گسترده، به مقام نمایندگی مجلس اسلام دست یافتید. بیخود زور زنید و خود را اذیت نکنید سعی نکنید خاتمی و اعوانش را تافته ای جدا بافته از کل این سیستم جنایت و سرکوب به مردم قالب کنید چون دیگر این کالای بنجل نزد مردم بپاخواسته و سرنگونی طلب خریداری ندارد.

توصیه من این است خود را به بی خبری و مردم را ناآگاه فرض نکنید بروید از اطرفیان خود در

زبانی به نفع حقیقت جویی و جنبش آگاهانه و رادیکال مردم تغییر داد. وقایع بعدی در عراق و اوضاع کنونی در آنجا علیرغم تلخی آن برای مردم عراق، روند آگاه شدن وسیعتر مردم و افکار عمومی را نسبت به پروژههای نظم نوین جهانی آمریکا و نیروهای مدافع آن در بر داشته است. مردمی که شاهد سناریوی سیاه عراق، رشد اسلام سیاسی، داغان شدن زندگی عادی مردم، و تبدیل جامعه عراق به کانون جنگ تروریستی بعد از دخالت نظامی آمریکا هستند، مدافعین سیاست دخالت نظامی آمریکا در ایران را به حاشیه میرانند. این وضعیت بر جست و خیز خود این نیروها هم تاثیر گذاشته است. بعد از سقوط رژیم بعث و اعلام "انجام جنگ" از جانب جرج بوش راست پروغرب و در راس آنها سلطنت طلبان در فکر ائتلاف و جبهه سازی مشابه "کنگره ملی" احمد چلبی و چلبی سازی بودند. این سناریو قبل از هر چیز به دلیل ناکامیهای آمریکا در عراق و وقایع حول آن که بالاتر اشاره کردم، به جایی نرسید و امروز خبری از آن نیست. ناسیونالیسم کرد در این صف آرایی شریک

شروع کردهاند. به طور واقعی جنگ تروریستها در یک طرف تروریسم دولتی آمریکا و در طرف تروریسم گروهها مسلح مرتجع گسترش یافته و میروند جامعه عراق را به کام خود بکشند. امروز در خود آمریکا، مقامات و دستاندرکارانشان از باتلاقی که آمریکا در آن گیر کرده، صحبت میکنند. در سطح جهانی و منطقهای همه نیروهایی که به استراتژی آمریکا و پیروزی آن در عراق امید بستند، در ناامیدی بسر میبرند.

در این میان در صحنه سیاسی ایران هم اپوزیسیون راست، امیدهایشان به ناامیدی تبدیل میشود. در راستاشان ناسیونالیستهای آریایی و ایرانی و ناسیونالیسم کرد که آرزوی ارتجاعی تکرار سناریوی جنگ مشابه در ایران را داشتند تا به نان و نوایی برسند، امروز پوچی و بنیست این امید و آرزو را می بینند. دوران شور و شغفشان بسیار کوتاه بود. حضور میلیونی مردم ضد جنگ در سراسر جهان، بازتاب آن در ایران، فعالیتهای مستقیم و موثر نیرویی مثل ما، امیدها و توهمات ارتجاعی را کم اثر کرد و شرایط را به درجه

۲- روند دیگر، حرکت از پایین

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

جنبش ما، جنبش انقلاب سوسیالیستی



نسان نودینیان

یکی از محورهای فضای سیاسی در ایران این روزها، حول جایزه صلح نوبل به خانم شیرین عبادی بود. همه در این رابطه درگیر شدند، از خاتمی که خرابکای کرد و با عجله چیزهایی گفت، از شیرین عبادی که اعلام کرد اسلام با حقوق بشر منافاتی ندارد، تا مشارکتی ها و دو خرداد و اکثریت که فراموش کرده بودند، و هنوز جوهر بیانیه کنگره

◀ اوضاع کنونی

مردم و فضای پر جنب و جوش اعتراضی در جامعه ایران است. ما در همین دوره تحرک اعتراضی بالایی را در میان دانشجویان، کارگران، معلمان و در میان عموم مردم شاهد بودیم. تحرک ۲۰ خرداد تا ۱۸ تیر مورد برجسته آن بود. در اینمورد بسیار صحبت کرده‌ایم و حزب ما نقش مهمی در آن ایفا کرد، در اینجا به چند فاکت در مورد این رویداد بسنده می‌کنم. ۲۰ خرداد تا ۱۸ تیر صف آرائی مستقیم مردم و جمهوری اسلامی بود. سرنگونی جمهوری اسلامی در مرکز تحول سیاسی قرار گرفت. سیاست و شعار جریان راست تحت نام "زفراندوم" و غیره فرعی شد و جایی در تحرک مردم پیدا نکرد. فضای جامعه رادیکالیزه و چپتر شد. تحرک حول آزادی و برابری شکل گرفت و بازتاب یافت و با کمونیسم کارگری و حزب ما تداومی شد. در کردستان به دلایلی که در اینجا فرصت پرداختن به آن نیست، این تحرک با چند روز تاخیر در دانشگاه کردستان و دانشگاه آزاد شروع شد. خود ما به عنوان کمیته کردستان دیر جنبیدیم. بعدا دخالت ما و پیامها و فراخوانهایمان تاثیر گذاشت. در مجموع جنبش سرنگونی گامها به جلو برداشت. فضا انقلابی و رادیکالیزه شد. تناسب قوا به نفع مبارزه مردم به شدت تغییر کرد. تغییر تناسب قوا را نه فقط در تظاهراتها و اعتراضات ایندوره، بلکه در عقب‌نشینی‌های بیشتر جمهوری اسلامی، در پیشروی چپ و بی‌تحرکی راست میتوان مشاهده کرد.

در دو ماهه اخیر بار دیگر اوجگیری تحرک اعتراضی را شاهدیم. اعتراضات کارگری، اعتراضات دانشجویی و معلمان و تظاهراتی

که دیده‌ایم در ادامه تحرک رادیکال ۲۰ خرداد تا ۱۸ تیر است. در شهرهای کردستان در همین دوره مراسمهای یاد منصور حکمت، اعتراضات توده‌ای در سردشت و تجمع اعتراضی در نقده و اخیرا همایش علیه خشونت و در دفاع از حقوق زنان و کودکان فضای دیگری و پتانسیل بالای جنبش اعتراضی را میرساند. جنبش آزادی و برابری در اینجا دخیل است و حزب ما و جنبش ما از اینجا نیرو می‌گیرد و همین موقعیت ما را توضیح میدهد. موقعیت ما

در دوره گذشته به یک معنا چپ و راست جامعه خود را و سیاستهایشان را آزمودند. همانطور که بالاتر اشاره کردم، امیدهای راست به تغییرات از بالا کورتر شد و سیاست و تاکتیک و شعارهایش به حاشیه رانده شد. در مقابل مردم مستقیما به میدان آمدند. چپ رشد کرد و این یک مشاهده عینی است که فضای سیاسی چپتر شده و حزب کمونیست کارگری از همین فضا نیرو گرفت و قویتر شده‌است. البته خود ما در ایجاد این فضا نقش مهمی داشتیم. به نظر جنبش کمونیسم کارگری و حزب کمونیست کارگری در موقعیت مساعدتری قرار گرفته است. در بعد اجتماعی بیش از پیش با جنبش آزادیخواهانه و برابری طلبانه عجین شدیم. حزب در شهرها موقعیت گسترش یافتتر و محکم تر پیدا کرده است. پرچم سرنگونی جمهوری اسلامی اساسا در دست ما بوده است. جمهوری اسلامی به عین ضعیف تر شده و به عقب‌نشینی‌های بیشتری تن داده است. رژیم هم تحت فشار اعتراض مردم است و در سطح بین‌المللی هم در تنگنا قرار دارد. اپوزیسیون راست قطب‌نمایش را از دست داده و آچمز است.

تا آنجا که به کردستان مربوط

نکرد. این دیگر یکی از بزنگاههای مهم سیاست در ایران بود. این آن نقطه ای بود که به پایه های تئوریک سیاسی و جنبش نه بزرگ به اسلام سیاسی و کل حاکمیت سرمایه حاکم در ایران نیاز داشت. فاکت عمل میکند، یک ربع قرن نمایندگی رادیکالیسم و کمونیسم کارگری شدن و نمایندگی کردن نه بزرگ به اسلام سیاسی، افشا و برملا کردن "فرم در اسلام سیاسی" کنفرانس برلین، و اکنون درستی و حقانیت جنبش ما که در این عرصه هم به سخنگوی

است، ناسیونالیسم کرد در این بی‌تحرکی بسر میبرد. سروصدای آنها حول پروژه‌های فرهنگی و یا امید به آمریکا رنگ باخته است. مثل همیشه استراتژی "انتظار و زیستن در شکافهای منطقه و دولتها و امید به مذاکره" را پیش می‌برند. در این راستا سرگرمی "جبهه کردستانی" را علم کرده‌اند. به نظر گسترش جنبش آزادیخواهانه و قدرتمندتر شدن کمونیسم کارگری دامنه تاثیر گذاری استراتژی آنها را بسیار محدود میکند. در توضیح موقعیت چپ و راست جامعه کردستان، رفیقی از شهر جمله زیبایی را میگفت "ما در حال گسترش و وسیع شدن هستیم و این را روزمره احساس می‌کنیم. احزاب ناسیونالیست هستند اما درجا می‌زنند"

در کردستان دوران ابتکار و جهش جنبشی است که به ما متعلق است. دوران ابتکار حزب ماست. بدون اغراق ما بر فضای سیاسی جامعه کردستان تاثیرگذاریم. ما دخیل در جنب و جوش سیاسی و مباحث و مجادلات و صف‌بندیهای سیاسی هستیم. پای تحریکهای اعتراضی هستیم، رابطه‌مان تحکیم شدت و نیروی اجتماعی ما در حال گسترش است. شخصیتهای ما با تحولات جامعه عجین ترند. نسل کمونیستی جدیدی به تاثیر از کمونیسم کارگری شکل گرفته، که جوان، پر انرژی و مبتکر و بدون هیچ بدیهی به عقب‌ماندگی و شرق‌زدگی و ناسیونالیسم و بیگانه با افکار چپ نوع سال ۵۷ در صحنه حضور دارد.

خلاصه کنم: نسیم انقلاب وزیدن گرفته است. جامعه به تعیین تکلیفهای اساسی نزدیک شده است. فضا برای حرکت مستقیم مردم و از پایین بسیار مساعد است. جنبش آزادی و برابری راه خود را باز کرده است. چپ‌گرایی

و کمونیسم کارگری در حال گسترش است. اوضاع، حزب ما را به عنوان آلترناتیو جمهوری اسلامی می‌طلبد. اگر در یک جمله از من پرسیده شود، ایندوره چه خلایقی را باید پرکنیم، می‌گویم با سیاست و پراتیک خود باید به این مشاهده که "هنوز آلترناتیو یکپارچه و سراسری جمهوری اسلامی در میدان نیست" خاتمه دهیم. و نشان دهیم که حزب کمونیست کارگری به عنوان آلترناتیو در صحنه هست. با این نقطه عزیمت علاوه بر وظایف عمومی حزب، بنا به موقعیتمان در کردستان در این مقطع محورهای مهمی در کار ما باید پیگیری شود.

محورهای دوره‌آتی کار و اقدامات و پیشروی ما همان چیزی است که حزب در سطح سراسری تعقیب میکند. پروژه‌های مهم رهبری حزب در این دوره برای نمونه، برگزاری موفق کنگره ۴، ایجاد تلویزیون ۲۴ ساعته، ابتکارات سراسری حزب در جنبش اعتراضی مستقیما تشکیلات کردستان حزب را هم به موقعیت دیگری پرتاب میکند. اما علاوه بر اینها تشکیلات کردستان لازمست محورهای زیر را در دستور کار بگذاریم.

۱- تنگ کردن فضا بر جمهوری اسلامی و دم و دستگاه اداری و نظامی و انتظامی آن در کردستان باید محور مهم کار ما باشد. این یک گام مهم در راستای این هدف ماست که در شرایط معین و مساعدی حاکمیت جمهوری اسلامی باید برچیده شود و اوضاع را کنترل کرد. فشار سیاسی و تبلیغی، راه‌اندازی جنبش اعتراضی و کمیته‌های معین در سطح شهر و دانشگاه و محله و محیط کارگری و مدارس میتواند، جمهوری اسلامی را در تنگنا قرار دهد. دم و دستگاه اداری و نظامی رژیم نباید احساس امنیت و آرامش کنند. مدام خود را

رادیو انترناسیونال
۲۱ متر - ۱۳۸۸۰ کیلو هرتز
۹ تا ۹:۲۰ شب بوقت تهران
به دیگران اطلاع بدهید
radio7520@yahoo.com
Tel: 0044 7714611099
اطلاعات و پیامگیر رادیو:
0046 8 659 0755
رادیو انترناسیونال روی اینترنت
www.radio-international.org

تلویزیون انترناسیونال
 یکشنبه ها ساعت ۵:۳۰ بعدازظهر
 تکرار: جمعه ها ساعت ۵:۳۰ بعدازظهر
 بوقت تهران
در شبکه تلویزیونی کانال یک
 تلویزیون انترناسیونال روی شبکه اینترنت:
www.wpiran.org/TV

یک دنیای بهتر برنامه حزب کمونیست کارگری را بخوانید!

میبرد. شگفتگی های حزب کمونیست کارگری در شهرهای ایران، ضمن موفقیت های بزرگ در عرصه مبارزه با جمهوری اسلامی و ایجاد دنیایی بهتر برای کمونیسم کارگریهای داخل کشور، منشا پیشروی و تشکل و تحرک است. ۱۶ آذر نزدیک است. کمونیست کارگرها با هدایت مردم معترض وارد میشوند، پرچمهای قرمز و زنده باد سوسیالیسم در میان هورای مردم سکولار و طرفدار دنیایی بهتر به اهتزاز درمیآید، ما کمونیست کارگرها ابتکار عمل را در دست خواهیم داشت. اکتبر ۲۰۰۳

داده اند. بنابراین نگرانی و دلهره بیان نشده در شکواییه فراکسیون گرمی از حساسیت منطقه، به از دست رفتن این مهره های ناسیونالیست کرد و لنگر اسلام سیاسی ایضا در منطقه اشاره دارد.

بعید نیست که رژیم اسلامی تعدادی از نیروهای "دلسوز" نظام را بخاطر اعمال غیر قانونی قربانی کند. اما این نوع پولتیک زندها سالهاست برای مردم کردستان آشناست، مردم کردستان حزب و نیروی بزرگ و اجتماعی و دارای سیاستهای روشن و قاطع و شفاف را همراه خود دارند. تلاش برای عبور دادن رژیم اسلامی از بحران مرگ و سقوط، دیگر از خودی ترین مزدوران دست آموز بومی و "گرد" نیز ساخته نیست. نمایندگان محترم فراکسیون کرد، اگر به فکر فردای خود هستند، ناچار باید راه دیگری برای جدا کردن سرنوشت خود از رژیم اسلامی جستجو کنند. به نظر میرسد نمایندگان فراکسیون کرد با استغاثه در حضور سران سه قوه، کماکان سرنوشت خود را به سرنوشت رژیم اسلامی گره زده اند. در هر حال اینان باید متوجه شده باشند، که با طلب عدالت از روسای جنایتکار خود، نمیتوانند ماهیت خدمتگزارانه خود به رژیم اسلامی را رنگ آمیزی کنند و موجب وجهه ای در میان مردم کردستان برای خود باشند. واقعا مزدوران رژیمهای در حال فروپاشی و سقوط چه سرنوشت رقت باری دارند.

۲۸ اکتبر ۲۰۰۳

و سرمایه است. این جنگ شروع شده است. جنگ شکست نخوردگان انقلاب ۵۷ در صحنه سیاست ایران یکی بعد از دیگری شگفتی میافرینند. ۲۰ خرداد تا ۱۸ تیر، جنبش ما محور و منشا همه گیر کردن شعار "آزادی، برابری مرگ بر جمهوری اسلامی" شد. در رویداد جایزه صلح نوبل حزب ما، جنبش سوسیالیستی ما پرچمدار نه بزرگ دیگر به اسلام سیاسی و غرب شد. شگفتیگی های فوتبالی برای طرفداران فوتبالی موفقیت بزرگی است. امتیازهای بزرگی را با آن فتح میکنند. پرچمهای بزرگی را برافراشته میکنند. هورا، تشویق و میلیتانی طرفداران را بالا

خطر و آن "حساسیتی" است که نمایندگان کرد مجلس اسلام میخواهند نظر روسای خود در "سه قوه" را به آن جلب کنند. و باز حساسیت منطقه جوانب دیگری هم دارد. تا چندی پیش همین نمایندگان عزیز کرد مجلس اسلام یار غار جناب جلال طالبانی بودند. آقای طالبانی در ملاقات با همین امضاکنندگان شکواییه افتخار این را یافت که به عرض برساند "جریانات اپوزیسیون کرد ایرانی" را وادار به امضای تعهد نامه ای کند که طبق آن نفوذ نیروهای آنها از منطقه تحت حاکمیت حزب عشیره طالبانی به داخل کردستان ایران ممنوع اعلام شود. این آقای طالبانی و مجموع دیگر خرده احزاب حاکم در کردستان عراق بعد از حضور نظامی آمریکا در عراق به یک زانده بی خاصیت تبدیل شده اند. نفس بقای آنها و ظرفیت آنها برای خدمت به رژیم اسلامی و فراتر از آن خاصیت ضربه گیری ناسیونالیسم کرد مورد سوال جدی قرار گرفته است. معلوم شده است اعضای رده بالای احزاب عشیره ناسیونالیستی کرد در عراق از عوامل و ماموران رژیم بعث و عوامل نفوذی آنها بوده اند. و اینها عصای دست جمهوری اسلامی بوده اند هم برای تقابل با مبارزه برابری طلبانه مردم و هم برای حفظ توهم به ناسیونالیسم کرد. این برگ ذرین با سوابق دیرین و سنن دیرپا تر آن سوخته است و جمهوری اسلامی و نمایندگان محترم کرد، متحد و یار غار و نوکر بی جیره مواجبی را از دست

جهان منتسب کرده، و به الگوی "زن مسلمان" و انجام "وظایف دینی اش" اعتراض شده است. مساله این است، مردم ایران روزانه در یک جنگ عیار با جنبش اسلام سیاسی و دولت آن جمهوری اسلامی هستند. اسلام سیاسی، در جنگ طبقات و در جنگ تغییر رژیم در ایران به مصاف طلبیده شده. دولت، حاکمیت، فرهنگ، مذهب، سنت، زن ستیزی، کودک آزاری، اسلام حامی سرمایه و مسبب فقر و فلاکت میلیونی توده مردم ایران کارگران و زحمتکشان، در تغییر رژیم ایران زیر رو میشود. جنگ طبقات است. جنگ میلیونها نفر از بشریت مدرن و امروزی علیه اسلام سیاسی

فراکسیون نمایندگان کرد رژیم و طلب عدالت از بانیان جنایت

را داده است" و نامه با شیون اسلامی چنین پایان یافته است: (قبای ذنب قتل!!)

سوال این است چرا در این اوضاع، نمایندگان گرمی کرد مجلس اسلامی از مصرف بی رویه "اسلحه و گلوله بیت المال" لب به شکایت گشوده اند؟ یک جمله بعدتر خود چنین توضیح داده اند: "اوضاع منطقه بشدت حساس شده است". این حساسیت اوضاع منطقه تا جایی که به حفظ منزلت و مقام نمایندگان عزیز برمیگردد، به خطر افتادن رژیمی است که خود حضرات نماینده مجلس قانونگزارش هستند. این خطر بر فراز سر رژیم اسلامی، میتواند زودرس تر شود اگر نیروهای حافظ نظام با "کشتار مردم بیگناه و غیر مسلح" به سرنوشت کل رژیم بی توجه باشند. مورد کشتار مردم سردشت از موارد چنین "بی مسئولیتهائی" است. اما از آن فراتر نمایندگان هراسناک از سرنوشت رژیم اسلامی، به عامل دیگری توجه دارند، اگرچه نخواهند هیچگاه به صراحت به آن اذعان کنند. حضور یک نیروی رادیکال، با برنامه روشن، و انتخابی است که با وجود حزب کمونیست کارگری پیشروی مردم کردستان قرار گرفته است. استقبال مردم کردستان از اعضا رهبری و کادرهای این حزب، و چرخیدن سرها به سوی حزب کمونیست کارگری ایران، آن زنگ



ایرج فرزاد

فراکسیون نمایندگان کرد مجلس اسلامی، در نامه ای به سران سه قوه، از رفتار نیروهای انتظامی با مردم کردستان شکوه کرده اند. در نامه از جمله چنین آمده است: "ما امضا کنندگان ذیل به عنوان وکیل و نماینده ملت، در تعقیب مکاتبات قبلی و هشدارهای شفاهی پیشین اعلام میداریم که متأسفانه عوامل نیروی انتظامی در مناطق کردنشین با اسلحه و گلوله ای که از محل بیت المال تهیه و در اختیار آنها قرار گرفته است مرتباً و به تواتر اقدام به کشتار مردم بیگناه و غیر مسلح نموده و می نمایند. اوضاع منطقه به شدت حساس شده است زیرا بدون حکم محکمه صالحه، نیروی انتظامی خود وظیفه ضابط و قاضی و مجری قانون را عهده دار و حکم قتل عام

« جنبش ما... »

(ادامه از صفحه ۴)

کمونیست کارگری است که نه مردم به جمهوری اسلامی و اسلام سیاسی و جنبش چپ و سوسیالیستی را نمایندگی میکند. و حزب، ابراز اعتراض میلیونها زن مدرن و سکولار و مردم عاصی از دست اسلام سیاسی است. نقطه قوت موضع حزب ما در ارتباط با دادن جایزه صلح نوبل به خانم عبادی در همین بود. این مساله حدود سه هفته ای است در جریان است و اکنون به نقطه جالب، و برای چپ و کمونیسم کارگری به نتایج بسیار ملموس و دیدنی تبدیل شده است. بعد از فاصله

اطلاعیه کمیته تشکیلات کل کشور حزب کمونیست کارگری ایران

به فعالین و دوستان حزب کمونیست کارگری ایران در کنگره ۴ حزب فعالانه دخالت کنید!

است و حزب تنها امید زنده نگاه داشتن و برافراشته نگاه داشتن پرچم آزادی خواهی و برابری طلبی است. نقش شما در این کارزار هر روز بیش از پیش خود را نمایان کرده است و عامل مهمی در چفت کردن حزب و جنبش کمونیسم کارگری با این مبارزات و جامعه است. علیرغم همه محدودیت هایی که بدلائل امنیتی حضور شما را محدود میکند، اما کنگره میتواند و باید پیام و نظرات شما را بشنود.

از شما میخواهیم بحثها، نظرات، راه حل ها و پیشنهادات خود را در اختیار کنگره بگذارید.

رفقای عزیز! رهبران و فعالین مبارزات کارگران، زنان مبارز و برابری طلب، معلمان کمونیست، رهبران و فعالین کمونیست در دانشگاهها و همه کمونیستهایی که برای رهایی و برابری و سوسیالیسم نبرد میکنند، شما را فرامیخوانیم که با ارسال پیام و ابراز نظرات و توقعات خود کنگره ۴ حزب را هر چه قدرتمندتر و پر بارتر کنید.

برای ما بنویسید که انتظار و توقع شما از این مجمع بزرگ که به امر سیاست گذاری برای آینده حزب میپردازد چیست.

قرار گرفتن در رأس جنبش برای سرنگونی رژیم و رهبری انقلاب امر ماست. چه پیامی برای کنگره در شرایط خطیر سیاسی امروز دارید؟

فکر میکنید که کنگره به کدام مسایل مهمی که در برابر مبارزه امروز کارگران، دانشجویان، زنان، جوانان و همه مردم مبارز قرار دارد باید پاسخ بدهد؟

نامه های خود را بهر طریق ممکن و از هم اکنون و تحت عنوان - برای کنگره ۴ - به ما برسانید.

نامه و پیامهای دریافتی شما در رسانه های حزب منتشر خواهد شد و در اختیار کنگره قرار خواهد گرفت.

اسد گلچینی

از طرف

کمیته تشکیلات کل کشور
حزب کمونیست کارگری ایران
۱ آبان ۱۳۸۲
۲۳ اکتبر ۲۰۰۳

به حزب کمونیست کارگری پیوندید!

رفقای عزیز، فعالین و دوستان
حزب کمونیست کارگری در ایران

اطلاع دارید که کنگره ۴ حزب در ماه دسامبر (آذر ماه) و علنی برگزار میشود. این کنگره در شرایط سیاسی امروز نمایی از قدرت طبقه کارگر و کمونیسم کارگری در ایران است. هم اکنون جنبش برای سرنگونی رژیم اسلامی هر روز قویتر و رادیکال تر و با پرچم چپ در حرکت است. کمونیسم کارگری در همه مبارزات و در همه عرصه های این نبرد حضور فعالی داشته

فرار میکنند و از میان بازماندگان عده زیادی نیز ناچار از پناه بردن به مواد مخدر میشوند. این خاصیت هر جامعه ای با رژیمهای فاسد و دیکتاتوری است که مردم و بویژه نسل جوان را وسیعاً بسوی اعتیاد سوق میدهد. انسانها در چنین شرایطی، به خود زنی و یورش به جسم خود پناه می برند. بنابراین برای پایان دادن به این وضعیت، راه دیگری غیر از سرنگونی فوری جمهوری اسلامی نیست. باید قبول کرد که در ایران جز سرنگونی جمهوری اسلامی برای خیلی از مصائب از جمله مشکل خانمانسوز اعتیاد راه تدریجی فردی و حتی جمعی وجود ندارد. جامعه ای میتواند با مواد مخدر مقابله کند که بدو مواد مخدر را از انحصار مافیای مواد مخدر بیرون آورده باشد. به معنای این عنوان انسانهای با شخصیت و محترم، نه مجرم، نه بدبخت و رها شده در کوچه و خیابان، بلکه انسانی که معتاد است و مریض است و باید درمان شود، نگاه کند. روزانه به هر معتاد سهمیه معینی را مجانی از داروخانه محل بدهد و در همان حال با گذاشتن کلینیک مجانی در اختیار او برای معالجه شخص معتاد دست بکار شود. این کار از رژیم جمهوری اسلامی که با پنهان کردن خفکان اسلامی بر جامعه انسانها را ناچار از پناه بردن به مواد مخدر میکند، ساخته نیست، این کار از رژیمی که به قربانیان این نظام فاسد بعنوان انسانهای مجرم نگاه کرده و آنان را در خیابان رها میکند، گاه و بیگاه نیز برای زهر چشم گرفتن از مردم سرنگونی طلب عده ای از آنان را در ملاء عام اعدام میکند، نه ساخته است و نه رژیم اسلامی مایل به چنین کاری است.

وزیر بهداشتی و بهزیستی جمهوری اسلامی، علنا خود شکست برنامه ای را که گویا جمهوری اسلامی برای مبارزه با اعتیاد داشته است، اعلام کرده است. جمهوری اسلامی راه دیگری جز بر باد دادن زندگی مردم و جوانان، جز رها کردن آنان بعنوان مجرم و انسانهای تحت تعقیب در این یا آن شهر بلد نیست. این رژیم حتی به اعتیاد بعنوان راهی برای دور کردن نسل جوان از سیاست و از تلاش برای سرنگونی جمهوری اسلامی نگاه کرده و نگاه میکند. به این دلیل پیش شرط مبارزه با اعتیاد سرنگونی فوری جمهوری است، وگرنه با سرکار ماندن جمهوری اسلامی ما همچنان شاهد معتادان بیشتر و مصائب و بدبختی های بیشمار دیگری بر انسانهای این جامعه خواهیم بود. ما بقدرت برسیم بلافاصله مواد مخدر را از اختیار مافیای مواد مخدر بیرون میاوریم، در جامعه تحت کنترل کمونیسم کارگری به معتادان بعنوان انسانهای محترم و با شخصیت نگاه میکند. در جامعه ای که ما میخواهیم، کسی بعنوان معتاد و بدبخت در کوچه و خیابان رها نخواهد شد، هر معتادی روزانه مقدار معینی مواد مخدر را دریافت خواهد کرد، و در جوار آن نیز کلینیک مجانی برای معالجه و ترک آن در اختیارش گذاشته خواهد شد. این راه، سرآغاز راه خلاصی مردم از تباهی جسمی و روحی است. تنها راه پایان دادن به اعتیاد و دیگر مصائب هولناکی که این نظام فاسد به توده کارگر و دیگر زنان و مردان آزادیخواه ایران تحمیل کرده است، از سرنگونی فوری جمهوری اسلامی میگردد.

۲۷ اکتبر ۲۰۰۳
